

Extracting Elements of Quranic Governance with Focus on Surah Al-Jumu'ah's New Interpretive Approach in Thought of Ayatollah Khamenei

Rahmatollah Sohrabi ^δ

Naib al-Sadr seminary, Rasht, Gilan

Abstract

Examining the authenticity or non-authenticity of narrators of the book Kamil Al Ziyarat based on the testimony of Ibn Qulawayh Qomi in the preface, it is essential that the issue of governance in today's social context be based on a Quranic perspective. Quranic governance refers to the rational values approved by the Quran and the legal values expressed in the Quran. Efforts are being made to make them a norm for evaluating the behavior of rulers, the private and public sectors of society. In the second stage of Quranic governance, the relationship between different parts of society is regulated in order to achieve their sublime work. In Quranic governance, the Divine verses have reconstructed public values and emphasized the care of natural values. Therefore, the study of the Quran is of great importance to recognize the purpose of the Quran, and it is possible to identify the principles and foundations of Quranic governance by referring to the Quran and religious sources and to implement that governance process in the Islamic Republic system. The present research seeks to answer the question: what are the results and the new interpretive method of Ayatollah Khamenei in the governance of the Quran, Surah Jumu'ah? A descriptive-analytical study of this issue indicates that His Eminence's political and social view in interpreting the meaning of the verses of Surah Jumu'ah based on the new interpretive method contains some propositions and rulings that can provide the basis for inferring the principles and foundations of Quranic governance. Therefore, the author has tried to extract and enumerate those foundations and elements from his interpretation in order to achieve "Quranic governance".

Keywords: Foundations of Quranic Governance, Interpretation of Surah Jumu'ah, Ayatollah Khamenei.

* Email: mehraban1966@gmail.com

استخراج مبانی حکمرانی قرآنی با محوریت رویکرد جدید تفسیر سوره جمعه در اندیشه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

| رحمت‌الله سهرابی * |

چکیده

بررسی وثاقت یا عدم وثاقت راویان کتاب کامل الزیارات براساس شهادت ابن قولویه قمی در دیباچه مسأله حکمرانی در فضای امروز اجتماع، مبتنی بر نگاه قرآنی ضروری است. حکمرانی قرآن اشاره به ارزش‌های عقلی مورد تأیید با ارزش‌های شرعی بیان شده در قرآن می‌باشد. تلاش می‌شود با فرهنگ شدن آن‌ها، معیاری برای ارزش‌گذاری رفتار حاکمان، بخش خصوصی و عمومی جامعه باشد. در مرحله دوم حکمرانی قرآن، تنظیم روابط میان بخش‌های مختلف جامعه به منظور کارکرد متعالی ایشان است. در حکمرانی قرآنی، آیات الهی، ارزش‌های عمومی را بازسازی کرده و بر ارزش‌های فطری مراقبت کردن را مورد تأکید قرار داده است. از این رو مطالعه قرآن برای بازشناسی مراد قرآن از اهمیت به‌سزایی برخوردار می‌باشد که می‌توان با مراجعه به قرآن و منابع دینی، اصول و مبانی حکمرانی قرآن را شناسایی و در نظام جمهوری اسلامی، آن فرایند حکمرانی را به کار بست. پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است، نتایج و روش جدید تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای در حکمرانی قرآن سوره مبارکه جمعه چیست؟ بررسی توصیفی تحلیلی این مسأله حاکی از آن است که نگرش سیاسی و اجتماعی معظم‌له در تفسیر مراد از آیات سوره مبارکه جمعه براساس روش تفسیری جدید حاوی برخی قضایا و احکام می‌باشد که می‌توانند زمینه استنباط اصول و مبانی حکمرانی قرآنی را فراهم کند. بنابراین نگارنده تلاش کرده در مسیر نیل به "حکمرانی قرآنی" آن مبانی را از تفسیر ایشان استخراج و احصا کند. **واژگان کلیدی:** مبانی حکمرانی قرآنی، تفسیر سوره جمعه، آیت‌الله خامنه‌ای.

۱. حوزه علمیه نایب‌الصدر، رشت، گیلان، ایران

۱. مفهوم حکمرانی

برای واژه انگلیسی Governance در زبان فارسی معادل‌های فراوانی مطرح شده است. واژگانی همچون؛ ولایت، حکمرانی، حکمروایی، زمام‌داری، تدبیر امور، فرمانروایی، راهبری، شهریاری، امارات، و سایر واژه‌ها (لغت‌نامه‌های دهخدا، عمید، معین).

واژه فارسی "حکمرانی" این واژه از میان همه کلمات مذکور معادل مناسبی برای کلمه انگلیسی Governance می‌باشد و از این رو شایان ذکر است در برخی معادل‌ها، برای این واژه، مفاهیم و معانی دیگری مستتر است که ممکن است در واژه انگلیسی آن وجود نداشته باشد، به این دلیل واژه حکمرانی که از دو بخش "حکم" و "راندن" تشکیل شده، برابر نهاد مناسب‌تری می‌باشد.

در واقع "حکم" به معنای فرمان، قاعده، مقررات، نظام، تنظیم، قانون، و امثال آن است و "راندن" به معنای اجرا، اعمال قدرت، پیش بردن، راهبری، اداره، هدایت و امثال آن می‌باشد. براساس آنچه در فرهنگ لغات، متون علمی و منابع موثق به زبان فارسی و انگلیسی در مورد اصطلاح حکمرانی آمده است، می‌توان آن را به صورت زیر تعریف کرد:

حکمرانی: فرایند قاعده‌گذاری، اجرای قواعد، بررسی، نظارت و کاربست بازخوردها با اعمال قدرت مشروع و به منظور دستیابی به هدف مشترکی برای همه کنشگران و ذی‌نفعان در چارچوب ارزش‌ها و هنجارها در محیط یک سازمان یا یک کشور است.

براساس این تعریف، تنظیم قوانین و فرایندهایی که بر سبک سیاست‌گذاری و نحوه نقش‌آفرینی کنشگران و ذی‌نفعان در فرایند سیاست‌گذاری و اعمال قدرت تأثیر می‌گذارد، بخشی از وظایف حکمرانی است. به علاوه موفقیت حکمرانی معمولاً با مشخصه‌هایی از جمله: دستیابی به ارزش‌ها، رضایت‌مندی، عدالت‌گستری، مهار فساد، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، اثربخشی، یکپارچگی و امثال آن سنجیده می‌شود.

چگونگی دستیابی حکمرانان به چنین قدرتی برای اداره امور عمومی سازمان یا کشور به رویه قابل قبول و یا رویه قابل پیاده شدن حکمرانی در میان ذی‌نفعان اصلی و یا کلیه ذی‌نفعان برمی‌گردد.

۲. مدل‌های حکمرانی

چگونگی میدان دادن به نظام ارزشی ذی‌نفعان در یک رویه حکمرانی، موجب می‌شود که مدل‌های مختلفی از شیوه‌های پیاده‌سازی حکمرانی در جهان معاصر مطرح باشد، از جمله حکمرانی خوب، حکمرانی متعالی و دیگر شیوه‌های حکمرانی.

الف) حکمرانی خوب

"حکمرانی خوب" مفهومی است که توسط سازمان‌های بین‌المللی در اواخر دهه ۱۹۸۰ وارد ادبیات توسعه شده و براساس معیارهای خاص، حکمرانی را حاصل تعامل و ارتباط متقابل دولت و کنشگران جامعه مدنی (سازمان‌های غیردولتی، بخش خصوصی، گروه‌های ذی‌نفوذ و رسانه‌ها) به‌منظور نیل به توسعه در هر کشوری می‌داند.

معیارهای حکمرانی خوب از نظر این سازمان‌ها عبارت است از: مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخ‌گویی، وفاق عمومی، حقوق مساوی، اثر بخشی و کارایی و مسئولیت‌پذیری.

ب) حکمرانی سالم

در انتقاد از حکمرانی خوب، حکمرانی سالم به برداشت آزاد و متنوع از شیوه و معیارهای حکمرانی خوب در کشورهای مختلف تأکید دارد و معتقد است که حکمرانی باید مطابق با آداب، رسوم و فرهنگ محلی هر کشور تعریف و سازماندهی شود. البته همچنان معیار اصلی در حکمرانی سالم، همانند حکمرانی خوب، رفاه مردم می‌باشد.

ج) حکمرانی متعالی (قرآنی)

به شیوه‌ای از حکمرانی گفته می‌شود که مبتنی بر یک نظام ارزشی الهی همچون اسلام برای نیل به سعادت دنیوی و اخروی مردم در یک حوزه جغرافیایی و یا حوزه‌های گسترده‌تر مطرح است. براساس نظریه حکمرانی متعالی، حکومت از آن خداست و تنها اوست که می‌تواند بر انسان حکم براند، به این دلیل حکمرانان تا زمانی دارای مشروعیت هستند که از تزکیه نفس و مقبولیت برخوردار بوده و تنها مجری احکام الهی باشند. در حکمرانی متعالی، تنظیم روابط، تبعیت و شیوه فعال‌سازی ظرفیت‌های کنشگران و ذی‌نفعان، براساس هدایت الهی و اراده مردمی شکل می‌گیرد.

طبق مقدمه مذکور، مهم‌ترین شاخصه در حکمرانی قرآنی (متعالی)، داشتن مولفه‌ی تعالی در تک‌تک حوزه‌های حکمرانی است (مدرسه حکمرانی شهید بهشتی).

بررسی دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در حکمرانی قرآن در سوره مبارکه جمعه و تطبیق آن با برخی مفسران معاصر با رویکرد تفسیر عصری اجتماعی و سیاسی، مسأله تحقیق پیش‌روست تا قضایای عمومی و راهبردی حکمرانی قرآن از آن شناسایی و استخراج شود.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های زیادی مسأله حکمرانی قرآن را در ابعاد گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و اخلاقی مورد بررسی قرار داده‌اند: ولی پژوهش مستقلی در باب بررسی روش

تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای و تطبیق دیدگاه ایشان با بعضی مفسران معاصر در مسأله حکمرانی قرآن در سوره جمعه مورد مطالعه قرار نگرفته است.

پژوهش‌های متعدد که مسأله حکمرانی قرآن را در ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار داده‌اند، از جمله:

- مقاله: چارچوب پاسخ‌گویی قرآنی: مدلی برای حکمرانی اسلامی، نوشته مهدی امیری، مجله رهیافت‌های نوین حکمرانی اسلامی (۱۴۰۲)، تبیین ابعاد مدیریت اسلامی را مورد بررسی قرار داده است.

- مقاله: تقویت حکومت اسلامی براساس مؤلفه‌های قرآنی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، نوشته محمد محمد علی، مجله حکومت اسلامی (۱۳۹۸)، دیدگاه ایشان در مؤلفه‌های قرآنی فرهنگ و مدیریت جهادی که در تقویت حکومت اسلامی نقش به‌سزایی دارند، بررسی کرده است.

- کتاب: تفسیر سوره براءت، نشر انقلاب اسلامی (۱۳۹۹)، با جمع‌آوری دروس آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۳۵۱، موضع‌گیری‌های جامعه اسلامی عصر نزول را در ابعاد گوناگون، تفسیر و تدبیر و تطبیق نموده است.

- کتاب: مروری بر مبانی، روش و قواعد تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای در تفسیر سوره براءت (۱۳۹۳)، بررسی اصول کلی حاکم بر سوره براءت را از دیدگاه معظم‌له پیش گرفته است.

- بررسی اصول حکمرانی مطلوب در قرآن و حقوق عمومی / پدیدآورنده: نسرين كردنژاد / دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم / ۱۳۹۵.

- ارائه الگوی نظام حکمرانی مطلوب براساس آموزه‌های قرآنی / محمد فاتحی / محل انتشار: هفتمین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران / ۱۴۰۰.

- مقاله الگویابی حکمرانی متعالی برای ارتقای اقتدار ملی در حکومت‌های اسلامی / بهادر زارعی / مجله حکومت اسلامی / ۱۴۰۰.

پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است. نتایج و روش جدید تفسیری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در حکمرانی قرآن سوره مبارکه جمعه چیست؟

روش تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای

آیت‌الله خامنه‌ای در منهج تفسیری خود، بعد از توجه به مضمون سوره جمعه و گزارش مختصر مفاد سوره، به ترجمه و تفسیر آیات پرداخته و در این عرصه، تمرکز خاصی بر توضیح پیوندها و ارتباط میان آیات سوره، تحلیل‌های لغوی و تعمیق واژه‌شناسی، بررسی اسباب نزول و تحلیل شرایط محیطی فضای دعوت اسلامی دارند. علت توجه به این شرایط می‌تواند به جهت اهمیتی باشد که مفسر

محترم به فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پیرامون نزول آیات می دهند. واکاوی عمیق در واژه‌ها یز در این چارچوب قابل توضیح است.

ایشان بی تردید تفسیر را امتداد داده و با تدبر و عاقبت اندیشی در آیات، زمینه را برای فهم هرچه بهتر تطبیقات آیات بر شرایط ایران و جهان امروز فراهم می کنند. از این رو به منظور حل مسائل نظام اسلامی، مقدم و گاه همراه با تطبیق آیات، تدبراتی در مراد آیات داشته اند. ایشان در واقع تدبر در آیات را زمینه و مقدمه فهم تطبیقات آن‌ها و کشف راه حل مسائل نظام اسلامی قرار داده اند. به جهت سرشار بودن تفسیر ایشان از تدبر و تطبیق و رویکردی که به مسائل سیاسی داشته اند، در جای جای تفسیر، احکام و قضایایی را بیان داشته اند.

البته برای اینکه دیدگاه رهبری و گرایش حکمرانی قرآنی در تفسیر آیات، خودش را بهتر و به صورت شفاف نشان دهد، چندین تفسیر معاصر که به مسائل اجتماعی و سیاسی نظر داشتند، در ذیل تفسیر ایشان از آیات مورد بررسی و مقایسه واقع شدند. روشن است که با مقایسه، بهتر می توان به گرایش حکمرانی قرآنی آیت الله خامنه‌ای پی برد. این تفاسیر به ترتیب استفاده و تطبیق بدین قرار هستند: «المیزان فی تفسیر القرآن» اثر «علامه طباطبایی»، «تفسیر نمونه» اثر «آیت الله مکارم شیرازی»، «التحریر و التئور» اثر «ابن عاشور»، «فی ظلال القرآن» اثر «سید قطب»، «من هدی القرآن» اثر «آیت الله مدرسی»، «من وحی القرآن» اثر «علامه فضل الله».

سوره مبارکه جمعه از جمله سوره‌های نازل شده در مدینه است که پیش از سوره تغابن و پس از سوره تحریم بر پیامبر اکرم (ص) نازل شد (التحریر و التئور، ۲۸ / ۱۸۴). این سوره را به مناسبت لفظ «جمعه» در آیه نهم، به همین نام خوانده اند (التحریر و التئور، ۲۸ / ۱۸۳). برخی مفسران معتقدند این سوره اساساً غیر از این نام، به عنوان دیگری نامیده نشده است (التحریر و التئور، ۲۸ / ۱۸۳). سوره جمعه با توجه به اینکه با تسبیحی طولانی و مفصل در ابتدا آغاز می شود، جزء سوره‌های مسبحات شمرده شده است.

آیت الله خامنه‌ای معتقدند محتوای سوره جمعه را سه محور تشکیل داده است: محور نخست، بعثت پیغمبر اکرم (ص) است که طی سه آیه نخست به حقایقی در این موضوع که بعثت مخصوص مردم آن زمان نیست، اشاره شده است. و نیز بیان کرده است که این بعثت، به نسل‌های آینده نیز تعلق دارد. محور دوم درباره یهود است. یهودی که خود را عزیز کرده خدا می دانست. محور سوم هم درباره نماز جمعه است که نماز بسیار مهمی می باشد (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۱۴-۱۶).

آیت‌الله خامنه‌ای براساس روش تفسیری و تدبریات و تطبیقات، در سوره جمعه نیز به برخی قضایا که می‌توانند زمینه‌ای جهت استنباط قواعد و قوانین عام حکمرانی قرآن باشند، توجه دادند. در این قسمت ذیل آیات مربوطه، به تشریح این احکام و قضایا پرداخته شده است.

قضیه نخست: حاکمیت مطلق خدای سبحان در قوانین الهی به وسیله معجریان وارسته.

خداوند در نخستین آیه سوره جمعه می‌فرماید: «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ»^۱ مبنایی ترین و مهم‌ترین قاعده و قانونی که در سراسر قرآن کریم موج زده و اساساً می‌توان ساختار قرآن کریم را بر این مبنا دانست، ظهور پادشاهی خدای سبحان است. به عبارت دیگر پادشاهی خدای سبحان بلکه تنزیه خدای متعال در پادشاهی، یکی از مبانی اصلی اعتقادی مسلمانان است که قرآن در سرتاسر آیات و سوره‌های خود به آن رهنمون می‌باشد. مفسر ارجمند از تدبر در این آیه و قاعده مهم، به گزاره‌ای دست یافته‌اند که از شروطی برخوردار است. از جمله اینکه حکومت قوانین الهی باید به دست انسان‌هایی صالح و منطبق با ضابطه‌ها و معیارهای الهی شکل بگیرد. معظم‌له خود در تبیین ماهیت این قضیه، بیاناتی دارند، از جمله:

«اگر در یک کشوری به قانون الهی عمل نشود، ولو افراد خوبی در رأس کار باشند، اینجا خدا حکومت نمی‌کند. اگر در یک کشوری به قانون الهی عمل شود، منتهی توسط اشخاص غیر صالح، اینجا هم خدا حکومت نمی‌کند. خدا آنجا حکومت می‌کند که قوانین و دستورات الهی عمل شود، به دست انسان‌هایی صالح که منطبق با ضابطه‌ها و معیارهای الهی هستند. این دو شرط لازم است» (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۲۴).

امتداد این تدبر به اینجا ختم می‌شود که ایشان تفاوت حکومت در جوامع مادی را از جوامع الهی چنین تشریح کنند:

«تفاوت اصلی در اینجا است که در جوامع مادی، آن کسی که حکومت می‌کند، همان کسی است که قبض و بسط می‌کند و حاکم اوست؛ اما در حکومت الهی این‌گونه نیست، خودش قانون وضع نمی‌کند. قانون قانون خداوند است. او (حاکم) هیچ کاره است» (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۲۶).

ایشان در تعبیری استعاره گرفته از دانش صرف، جایگاه استقلالی حاکم اسلامی را این‌گونه انکار می‌کنند:

«حاکم در جامعه اسلامی، همزه وصل است؛ خودش کاره‌ای نیست. حقیقت مطلب این است که آن کسی که از وراء او دارد بر این جامعه نورافشانی می‌کند، حکمروایی می‌نماید، خدای تعالی و دین خداست، نه شخص او. پس «مَلِک» جامعه (دینی)، شخص باری تعالی است. از این رو در

اسلام به حاکم هرگز «مَلِک» نگفته‌اند، بلکه «راعی» یا «والی» گفته‌اند. «مَلِکیت» یعنی پادشاهی به‌وسیله اسلام بر افتاده است (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۲۷). پس برای انسان‌های این عالم، دین (است که) خطّ زندگی و راه‌های فلاح و نجات را مشخص می‌کند» (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۲۹).

بنابراین باور به صفت «هو الملک» و تدبیر در آن روشن می‌کند که حکمرانی بریده از خدا، هیچ مشروعیت و ارجمندی نخواهد داشت.

براساس اعتقاد به توحید، نه تنها خالقیت منحصرأز آن خداست، بلکه ولایت نیز به او اختصاص دارد: «قل اللهم مالک الملک» او «ملک الناس» است و هیچ‌کس جز او سزاوار حکم کردن نیست: «ان الحکم الا لله». از این رو هرگونه تصرف و دخالت در نظام هستی، به «اذن» او احتیاج دارد و هیچ‌کس از پیش خود، حق دخالت در سرنوشت انسان‌ها را ندارد: اصل عدم ولایت افراد بر یکدیگر، مگر اینکه ولایت مفوض از ناحیه خدا باشد.

لااشکال فی أنّ الأصل عدم نفوذ حکم أحد علی غیره قضاءً کان أو غیرها، نبیاً کان الحاکم أو وصی نبیّ أو غیرهما، و مجرد النبوة و الوصایة و العلم بأی درجة کان و سائر الفضائل لایوجب أن یکون حکم صاحبها نافذاً و ما یحکم به العقل هو نفوذ حکم الله تعالی شأنه فی خلقه لکونه مالکهم و خالقهم و التصرف بآی نحو من التصرف یکون تصرفاً فی ملکه و سلطانه و هو تعالی شأنه سلطان علی کل الخلائق بالاستحقاق الذاتی و سلطنة غیره و نفوذ حکمه یحتاج الی جعله.

اصل عدم ولایت از فروع توحید است؛

در آن، سلطنت مخلوقات بر یکدیگر نفی می‌شود؛

ولایت انسان بر خویشتن نیز مشمول این اصل است؛

ولایت انسان‌ها بر یکدیگر، با اذن الهی مشروعیت می‌یابد؛

در مواردی که اذن الهی به اثبات می‌رسد و شخصی از این حق برخوردار می‌شود، در حقیقت

ولایت از آن خداست (امام خمینی، رساله اجتهاد تقلید، ۳/۲).

بین اصل ضرورت ولایت در جامعه با این اصل که هرگونه ولایتی را نفی می‌نماید، ناسازگاری وجود ندارد، زیرا این اصل نیاز به ولایت را نفی نمی‌کند، بلکه «مبدأ بشری» آن را نمی‌پذیرد؛ از این رو «اصل عدم ولایت» محکوم اصل دیگری قرار نمی‌گیرد.

مرحوم کاشف‌الغطاء این اصل را به تفصیل تقریر کرده است:

إِنَّ الْأَصْلَ أَنْ لَا يَكُونَ لِأَحَدٍ بَعْدَ اللَّهِ تَعَالَى سُلْطَانٌ عَلَى أَحَدٍ لَتَسَاوِيهِمْ فِي الْعِبَادَةِ وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ مِنَ الْعَبِيدِ تَسَلُّطٌ عَلَى امْتِثَالِهِ بَلْ لَيْسَ لِغَيْرِ الْمَالِكِ مُطْلَقاً سُلْطَانٌ عَلَى مَمْلُوكٍ مِنْ دُونِ إِذْنِ مَالِكِهِ. الْأَصْلُ أَنَّ السُّلْطَانَ لِأَحَدٍ عَلَى أَحَدٍ فَإِنَّ الْخَلْقَ مُتَسَاوُونَ فِي الْعِبَادَةِ وَ وَجُوبِ الْإِنْقِيَادِ لِرَبِّ الْبَرِّيَّةِ وَ لِأَمْلِكٍ وَ لِأَمْلُوكٍ إِلَّا لِصَاحِبِ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْعِزَّةِ وَ الْجَبْرُوتِ فَلَا وَجْهَ لِلْإِصْدَارِ النَّوَاهِي وَ الْأَمْرِ الْأَمْنِ مِنْ مَنصُوبٍ مِنَ الْمَالِكِ الْقَاهِرِ (كاشف الغطاء، كشف الغطاء، ۳۷).

آیت‌الله مکارم‌شیرازی نیز در «تفسیر نمونه» با اشاره به واژه مَلِك، به قدرتی که مشوب به ظلم و فساد باشد اشاره کرده و بیان نموده است که وقتی این واژه با واژه قدوس جمع می‌گردد، آن بار منفی از این عنوان برداشته می‌شود (تفسیر سوره نمونه، ۲۴ / ۱۰۱-۱۰۵). البته این مطلب را در مقام استدلال به دوری پادشاهی خدای سبحان از رفتار پادشاهانی که به جهل و ستم حکمرانی می‌کنند، تفسیر کرده است. این نکته می‌تواند تأکیدی بر قانون پیش‌گفته و از مقدمات آن باشد.

بررسی دیگر تفاسیری که در مطالعه تطبیقی این اثر مطالعه شد، نشان می‌دهد که هیچ‌یک از مفسران ارجمند با نگاه اجتماعی، به جنبه‌هایی مرتبط با قضایا و احکام حکمرانی که امکان استنباط آن‌ها از آیه باشد، نپرداخته‌اند.

در نتیجه نخستین قضیه مهم در سوره جمعه به موضوع پادشاهی و حکومت مالکانه مربوط است. خدای سبحان با انحصار پادشاهی به خود در واقع راه را بر ادعای پادشاهی غیر بسته است، تا حاکمان جامعه ادعای مالک‌الرقابی مردم را نکنند. حاکمان بخشی از همین مردم هستند که مانند آن‌ها تحت پادشاهی خدای متعال قرار دارند و باید تابع قوانین پادشاه حقیقی عالم باشند. در حکمرانی سوره جمعه معلوم می‌شود که مقام فراتر از الهی نداریم و حاکم جامعه ارزش‌ها را تولید نمی‌کند، بلکه خود تحت تأثیر ارزش‌ها ابلاغی از سوی مالک عالم است. بنابراین از حکمرانی سه ضلع، حاکمان، بخش خصوصی و گروه‌های اجتماعی یا بخش عمومی است. حاکم جامعه حق ندارد خواست خود را بر مردم تحمیل کند، بلکه این خواست و مشیت الهی و نیز ارزش‌های الهی است که بر او حکم می‌راند. از این‌رو اصل نخست در حکمرانی قرآنی برگرفته از احکام و قضایای تفسیر سوره جمعه آیت‌الله خامنه‌ای رعایت «اصل حاکمیت و فرمانروایی مطلق خدای سبحان» می‌باشد. بنابراین این اصل در حکمرانی قرآنی رعایت نشود، حکمرانی به حکمرانی غیر قرآنی تبدیل خواهد شد که عیناً همان حکمرانی طاغوت منفی در قرآن است.

قضیه دوم: استضعاف ستیزی جامعه اسلامی

آیه ۲: هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ.^۲

آیت‌الله خامنه‌ای ذیل آیه دوم سوره و تدبیرهایی که در این بخش دارند، به حکم دیگری متناسب با جریان حکمرانی قرآن توجه داده‌اند. ایشان ضمن تعریف مستضعفان به «گروهی از مردم که در پنجه قدرتمندان، در حالت ضعف نگاه داشته شده و به استضعاف کشیده شده‌اند (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۴۲)، و گروهی که اختیاری در حرکت جامعه از خویش ندارند» (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۴۳)، به کارویژه جامعه اسلامی توجه داده و بیان داشتند.

«جامعه اسلامی می‌آید استضعاف را برمی‌دارد. هیچ‌کس نباید در پنجه قدرت دیگری مستخّر باشد. اگر جامعه اسلامی به اینجا رسید که مردم در پنجه قدرت یک عده‌ای گرفتار بودند و امکان رأی دادن، امکان نظر دادن، امکان تصمیم گرفتن برای مردم نبود، آن جامعه دیگر اسلامی نیست. کشاندن مردم برخلاف میل‌شان به این سو و آن سو توسط عده‌ای، آن‌ها را مستکبر می‌کند» (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۴۳).

با توجه به اینکه این آیه مبارکه، اساس بعثت و ماموریت اصلی رسول اکرم (ص) را (تلاوت آیات بر مردم، تزکیه و حرکت دادن آنان به سوی کمالات، و تعلیم معارف رشددهنده (کتاب و حکمت) به ایشان) دانسته است، آیت‌الله خامنه‌ای با تدبیر در این مفهوم، به اصلی‌ترین وظیفه حکومت اسلامی اشاره کرده و معتقدند که با توجه به اینکه حکومت اسلامی در امتداد بعثت و رسالت نبوی (ص) است، طبیعتاً باید در همان مسیر حرکت کرده و مردم را با رشد دادن در تمام سطوح جامعه و در همه ابعاد اجتماعی، آنان را از استضعاف فکری، فرهنگی، سیاسی و... خارج گرداند. بنابراین حکومتی که مردم را در استضعاف نگه دارد، آن حکومت مستکبر بوده و اسلامی نیست. براساس آنچه در آیه نخست گذشت، این قضیه در هفت تفسیر بررسی شد که به این برداشت توجه نشده بود. دومین قضیه مهم در سوره جمعه، با توجه به اینکه حکومت اسلامی در امتداد بعثت و رسالت نبوی (ص) می‌باشد. لازم است اصلی‌ترین وظیفه خویش را رفع استضعاف همه‌جانبه از مردم اعم از جنبه‌های فکری، فرهنگی، سیاسی و... بداند و مردم را در استضعاف نگه ندارد. در غیر این صورت حکومت دیگر اسلامی نخواهد بود، بلکه یک حکومت مستکبر است. از این رو سوق دادن مردم به سوی کمالات و تعلیم معارف رشددهنده (کتاب و حکمت) جهت رفع استضعاف از مردم اصلی‌ترین وظیفه حاکم اسلامی در حکمرانی قرآن می‌باشد.

قضیه سوم: شناخت بشر شرط رشد دادن او

مفسر ارجمند ذیل آیه دوم، به حکم دیگری توجه دادند. به نظر ایشان:

«رشد انسان محتاج شناخت امکانات، استعدادها و خصلت‌های بشر است. اگر نشناسد نمی‌تواند (این استعدادها و خصلت‌ها را) رشد بدهد. علت اینکه در حکومت طاغوت‌ها و تحت هدایت گمراهان، جوامع بشری سقوط می‌کنند، این است که آن گمراهان نمی‌توانند بشر را بشناسند. و درست آن‌ها را رشد دهند. به‌علاوه که انگیزه صحیح و الهی هم در آن‌ها نیست». (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۵۳).

ایشان در مقایسه‌ای میان پیغمبران و رهبران الهی با طواغیت گفتند:

«هنر بزرگ پیغمبران و اولیاء و دنباله‌روان پیغمبران، کشف استعدادها و خصلت‌های نیک انسان و رشد دادن این خصلت‌هاست» (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۵۴).

به‌همین مناسبت در تحسینی از کار بزرگ امام خمینی (ره) آوردند:

«هنر بزرگ امام این بود که این رگه‌ها را شناخت، این‌ها را استخراج کرد (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۵۵). امام ظاهر بین نبود؛ بطون مردم را دیدند، فطرت الهی را فهمیدند، اعماق انسانی را درک کردند. آن چشم تیز بین با بصیرت شجاعت مردم را می‌دید. این شجاعت، این قدرت، این صلابت، این فداکاری، این دوری از فساد، این روگردانی و اعراض از گناهان که امروز در میان مردمان ما و جوان‌های ما وجود دارد، این‌ها را امام شناخت. فهمید که این‌ها هست و این‌ها را تزکیه کرد. در ملت نمود، رشد داد، انقلاب این کار را کرد. امام این کار را کرد» (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۵۷-۵۸).

ایشان درنهایت این چنین نتیجه گرفتند:

«رشد دادن خصلت‌ها و خصوصیات انسانی در افراد، خاصیت اسلام است، خاصیت پیغمبران و خاصیت حرکت انبیا و اولیای الهی می‌باشد» (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۵۹).

ظهور تدبیر در دیدگاه‌های تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای را می‌توان در همین نتیجه‌گیری و جمله اخیر مشاهده کرد. ایشان با تدبیر در سه مأموریت اسلامی دولت نبوی (يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ) و الگوسازی برای حکمرانی دولت اسلامی، معتقد است که اساساً یکی از قضایای مهم حکمرانی که باید توسط حکومت اسلامی اجرایی شود، تربیت و رشددهی مردم و خارج کردن مردم از ضلالت و گمراهی می‌باشد. طبیعتاً برای رشد دادن مردم، باید آنان را شناخت و براساس فطرت الهی و انسانی، آنان را به حرکت به سمت تعالی سیر داد. این یکی از قضایای مهم در نظام حکمرانی و از وظایف حکومت اسلامی است.

سید قطب پس از تبیینی کوتاه از امیت و قوم امی، به بعثت نبی مکرم اسلام (ص) و برکات این نعمت بزرگ و موضع یهود در قبال این موهبت الهی اشاره کرده و در ادامه با توضیحی درخصوص تلاوت آیات، تزکیه مردم و تعلیم کتاب، به شرح ضلالت و گمراهی اهل جاهلیت از زبان جعفر ابن ابی طالب (ع) خطاب به نجاشی اشاره می‌کند و در ادامه به رشدی اشاره می‌نماید که اهل جاهلیت به برکت بعثت نبی مکرم (ص) بر آنان توسط پروردگار موهبت شد (فی ضلال القرآن، ۶/۳۵۶۴-۳۵۶۶). براساس این توضیح، ابن عاشور نیز به نقش انبیا در بیدار کردن مردم و دور نمودن آن‌ها از استضعاف علمی و بینشی توجه داده‌اند. هرچند در این مطلب بیان صریحی نداشته است.

آیت الله مدرسی نیز مانند دیگر مفسران به توضیحی مبسوط در خصوص «أُمِّیِّین» و مظاهر جاهلیت اشاره می‌کند و در تشخیص مصداق «أُمِّیِّین»، از اهل مکه (تفسیر نخست) و اهل جاهلیت (تفسیر اظهر) اشاره می‌کند. او نیز به سه وظیفه اصلی رسول مکرم اسلام (ص) اشاره می‌نماید و منظور از تلاوت آیات را زدودن پلیدی شرک، تخلف و جاهلیت برشمرده است. وی درخصوص مصداق تزکیه، تعلیم کتاب و حکمت نیز اشاره کرده و مصداق کتاب را قرآن کریم معرفی نموده است که باید در مدارس و دانشگاه‌های ما، مهم‌ترین ماده درسی باشد. ایشان به مناسبت تعلیم حکمت، توضیحی درباره حکمت داده و در این باره از روایات ائمه معصومین (ع) و اقوال صحابه نیز بهره برده است و با نقل دعای حضرت ابراهیم (ع)، پیامبر اکرم (ص) را همان فردی دانسته که خداوند به دست او دعای ابراهیم خلیل الرحمن (ع) را مستجاب کرده است. وی در پایان به شرحی درخصوص ضلالت و کارهای جاهلانه آنان پرداخته و اینکه پیامبر اکرم (ص) آنان را از اعماق ضلالت و گمراهی نجات داد. وی تصریح می‌کند که دعوت رشددهنده نبوی، نه مخصوص به عصر خاصی است و نه مصری؛ بلکه دعوتی است الهی که فرازمانی و فرامکانی می‌باشد و به قول قرآن کریم، این دعوت، دعوتی است از سوی پروردگار عالم به تمام مردم (من هدی القرآن، ۱۵/۳۷۲-۳۸۱). این برداشت نیز به گونه‌ای از مبادی قانون استضعاف ستیزی اسلام از راه رهاسازی از گمراهی است.

علامه فضل الله نیز در «من وحی القرآن» در تفسیر کریمه دوم، به تشریح مراد از امیین و سه رسالت مهم نبی اکرم (ص) پرداخته، و همچون آیت الله مدرسی در تبیین ضلالتی که اهل جاهلیت در آن غرق بودند، کلام جناب جعفر طیار (ع) خطاب به نجاشی را نقل کرده است. البته او در قدمی بلندتر از دیگر مفسران، به یکی از وظایف حکومت اسلامی که تربیت چند بعدی امت اسلامی است، اشاره کرده که هماهنگ با قانون حکمرانی مستنبط از کلام آیت الله العظمی خامنه‌ای است (تفسیر من وحی القرآن، ۲۲/۲۰۷). وی معتقد است روش تربیت انسان در اسلام، روشی چند

بعدی است که باید انسان را در ابعاد فرهنگی، روانی، سیاسی و اقتصادی در سطوح بالای انسانی در عالم تربیت کند (تفسیر من وحی القرآن، ۲۲/۲۰۵-۲۰۷).

پس سومین قضیه مطرح در سوره جمعه، این است که دولت نبوی (ص) الگویی برای دولت اسلامی در حکمرانی قرآنی از جهت تربیت، رشد و تعالی دهی مردم و خروج مردم جامعه از ضلالت و گمراهی است. از این رو شناخت مردم که مقدمه حرکت دادن ایشان به سمت و سوی تعالی بر اساس فطرت پاک الهی و انسانی و رها سازی مردم از ضلالت و گمراهی است، یکی از قضایای مهم در حکمرانی قرآنی واز جمله وظایف دولت اسلامی محسوب می گردد.

قضیه چهارم: پرورش ظرفیت‌ها در حکمرانی قرآن

وَ آخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳) ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۴).^۳

مفسر حکیم ذیل این آیات از تدبیر در دو آیه بالا و با توجه به حکیم بودن خداوند، عرصه جدید دیگری را به روی مخاطبان باز می‌کنند. ایشان با تدبیر در عبارت (لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ) با توجه به اینکه حکومت اسلامی ما در امتداد حکومت نبوی (ص) است و مؤمنان عصر حاضر، ادامه‌دهندگان مؤمنان به نبی مکرم اسلام (ص) هستند، از این رو ایشان چنین اظهار می‌دارند که رویش اسلامی تعطیل نمی‌شود و اراده خدا بر این است که رویش آن ادامه داشته باشد و اسلام در نسل‌های بعد باقی بماند و پیش برود. بر این اساس، ایشان حکم دیگری را که حکمرانی سوره جمعه را نمایان می‌کند، بدین بیان از این دو آیه استخراج می‌نمایند:

«حکمت یعنی چیزی را محکم کردن، خدا این جور است، محکم کاری می‌کند. وقتی خدا اراده کرده که اسلام پیروز بشود، پیش برود، در نسل‌ها باقی بماند، این می‌ماند و به نسل‌های دیگر می‌رسد. افرادی ایمان می‌آورند، کشورهایی به اسلام می‌گروند (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۷۲). دین خدا سطح عالم را فرا می‌گیرد، همان خواهد شد؛ هرکس برخلاف قوانین الهی حرکت بکند، از بین خواهد رفت و مغلوب خواهد شد» (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۷۱).

اما ایشان در این باره هشدار مهمی را بیان کردند:

«من بارها توضیح داده‌ام که قانون الهی، این‌گونه نیست که دین الهی خودبه‌خود پیروز شود. مسلمان‌ها بگویند دین خدا خودش پیروز شود! نخیر؛ دین خدا آن گیاهی است، آن رویشی می‌باشد که یک دهقان و باغبان دلسوز لازم دارد. آن باغبان دلسوزش مسلمین‌اند» (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۷۱).

از این رو ایشان یک تکلیف حکمرانی برای مردم ایران استنباط می‌کنند:

«ما امروز هم باید مواظب باشیم که در مرکز جوشش انقلاب اسلامی، حالت انقلابی از بین نرود. اگر ما اینجا حالت انقلابی را از دست بدهیم، اگر ما اینجا ضعیف شویم، نمی‌توانیم در شعاع فرهنگ اسلامی که از ما صادر می‌شود، انسان‌هایی را بسازیم» (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۷۱). چنانکه در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای گذشت، ایشان با توجه به موهبت جاودان اسلام و استمرار بعثت نبی مکرم (ص) و دقت در عبارت (وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ)، پیروزی و عالم‌گیر شدن اسلام را وعده تخلف‌ناپذیر الهی دانسته و آن را حتمی و قطعی شمردند. اما در کنار این وعده، معتقدند که امت اسلام نسبت به این مسأله، بی‌مسئولیت رها نشدند و اگر بخواهند مصداق (وَ آخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ) باشند، باید در امتداد این جنبش، حرکت کرده و نباید دست روی دست بگذارند تا اسلام خودش رشد کرده و بر عالم تفوق پیدا کند؛ بلکه باید در تمام عرصه‌ها جهادگرانه وارد شوند و این نیز تفضلی از سوی خداوند بر امت اسلامی است.

علامه طباطبایی ذیل این دو آیه به بیانی کوتاه در معنای آیه بسنده کرده و هیچ نکته تفسیری درخصوص این دو آیه مطرح نکرده است (المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۹/۲۶۵). آیت‌الله مکارم شیرازی ذیل آیه سوم بعد از سخن گفتن از جاودانگی و جهان‌شمول بودن اسلام، تصریح کرده که موهبت اسلام، مختص به اهل عصر نزول نیست، بلکه تمام اعصار را شامل می‌شود. وی در آیه چهارم به موهبت بودن اسلام توجه داده و اینکه فضل الهی روی حساب است و این‌گونه نیست که بی‌حساب به افراد عنایت شود (تفسیر نمونه، ۲۴/۱۰۹-۱۱۳). این نکته هماهنگ با حکمی است که در کلام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مبنی بر لزوم حرکت و اقدام مسلمین گذشت.

ابن عاشور در «التحریر و التنویر» در تفسیر ذیل آیه سوم: «وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» توضیحی کوتاه در مورد این دو اسم الهی ارائه کرده است. همو درخصوص آیه چهارم مصداق فضل الهی را ارسال پیامبر اکرم (ص) به مأموریت رشددهی عرب جاهلی دانسته و با این فضل الهی، مختص بودن کتاب و شریعت را به یهود زائل دانسته است (التحریر و التنویر، ۲۸/۱۸۹-۱۹۱). بنابراین وی نیز به پرورش ظرفیت‌های مردم در حکمرانی توجه داده و انحصار تربیت علمی به اهل کتاب را مردود اعلام کرده است.

آیت‌الله مدرسی نیز در تفسیر آیه سوم، به این حکم توجه داده است. وی در توضیح «وَ آخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ» با اشاره به جاودانگی و فرامکانی بودن اسلام و بعثت نبی مکرم (ص) اشاره به دستگیری اسلام از انسان و سوق او به هدایت و خیر کرده و این جریان الهی را قطع‌ناپذیر و منتشر در هر زمان و عصری دانسته است و از این‌اوست که ملحق شدن به مدرسه نبوی (ص)، دائمی است و تا پهنه دنیا ادامه دارد. وی در تفسیر چهارمین کریمه، اسلام عزیز را فضل عام الهی و

غیرمختص به نژاد یا قوم خاص دانسته که مردم را از جاهلیت و گمراهی‌های آشکار نجات بخشید و آنان را به نعمت پاکی، دانش و هدایت رهنمون ساخت. او در توضیح فقره (يُؤْتِيهِ مِنْ يَشَاءُ) ادعای افضلیت مسلمانان عصر نزول را باطل دانسته و معتقد است در هر عصر و مصری، هرکس به خداوند متعال رو کند، پروردگار کریم، او را از این فضل کبیرش متنعم می‌گرداند. همو نیز در ادامه، این آیه را تعریضی به یهود دانسته که خود را قوم برتر می‌دانستند؛ اما با عدم تحمل مسئولیت رسالت، مورد توبیخ خدا قرار گرفتند (من هدی القرآن، ۳۸۳/۱۵).

چهارمین قضیه مهم در حکمرانی قرآن از تفسیر چهارمین آیه این سوره رویش اسلامی که اراده الهی تعلق گرفته تا این رویش ادامه‌دار باشد، متوقف بر پرورش ظرفیت‌ها در حکمرانی قرآنی است. بقاء دین مبین اسلام در نسل‌های بعدی الی یوم القیامه تضمین شده و در سطح عالم فراگیر خواهد شد. زیرا پیروزی و عالم‌گیر شدن اسلام وعده تخلف‌ناپذیر الهی است. تحقق این وعده الهی حتمی و قطعی شمرده شده، البته معجزه جاوید بودن قرآن و جهانی بودن دین مبین اسلام این اقتضائات را دارد. ولی به‌رحال نباید بی‌مسئولیت نشست و دست روی دست گذاشت، همین‌طور نظاره‌گر بود تا اسلام به خودی خود تفوق پیدا کند! این‌گونه نیست، بلکه لازم است در تمامی عرصه‌ها جهت پرورش ظرفیت‌ها اقداماتی صورت گیرد. مستنبط قضیه چهارم، قاعده پرورش ظرفیت‌ها در حکمرانی قرآنی است.

قضیه پنجم: اهمیت عمل به قرآن در تمام عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی
 مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْجِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِمَثَلِ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵).^۴

حکمرانی قرآن به معنای سیاست‌گذاری، تعیین راهبرد، برنامه‌ریزی و تنظیم روابط بخش‌های مختلف رسمی و غیررسمی در میدان عمل و اجراء، از سوی قرآن کریم است. وقتی مردم این نوع حکمرانی را قبول کردند، مسیر اعتلای خود را خواهند پیمود. همه کتاب‌های آسمانی چنین هستند. از این‌رو همین حکمرانی در تورات بوده است و بنی اسرائیل مأمور بودند تا بر پایه هدایت‌های قرآن در کنار تورات، در این عرصه‌ها در راه مستقیم حرکت کنند. بنی اسرائیل برخی از مراحل تحمل تورات را گذراندند و هدایت‌های الهی به‌سوی ایشان آمد. مع‌الاسف در میانه راه از ادامه تبعیت دست برداشتند و این عقب‌گرد، آن‌ها را از ادامه مسیر تعالی و پیشرفت، عقب زد و کار را به‌جایی رساند که به تعبیر این کریمه، نمونه شخصیت ایشان در کوردلی، الاغی بود که بار کتاب حمل می‌کرد و کار به مضامین و محتوای این کتاب‌ها نداشت. تنها فایده این کار، برداشتن بار کتاب و انتقال آن به محل یا مردم و نسل‌های دیگر بود. آیت‌الله خامنه‌ای با تدبر در این آیه و درس‌پذیری از این کریمه، منطبق بر نکوهش

شدن یهودیان توسط قرآن کریم به خاطر عدم تحمل مسئولیت رسالت، خطر بازماندن از ادامه راه بصیرت و هدایت‌های الهی در امت اسلامی را گوشزد نموده و این برداشت را این‌گونه بیان کرده‌اند: «راه بصیرت حقیقی و بصیرت پی در پی، عمل به آن چیزهایی است که در مرحله نخست فهمیدیم؛ یا وسیع‌تر ... تحت تأثیر قرار گرفتن از آن مراحل اولی است؛ یعنی آنچه را فهمیده‌ای در آن تدبیر کن، آن را قبول نما، قدر آن را بدان، آن را مزه کن در همه وجود خودت. بعد قدم بعدی برای تو روشن و آشکار خواهد شد» (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۹۶).

ایشان در تفسیر مراد از «ثم لم یحملوها» گفتند:

«این پیرو موسی، کتاب تورات دستش بود، اما در عین حال استفاده‌ای از آن نمی‌برد. تکذیب قلبی داشت، هواها و هوس‌ها او را به این طرف و آن طرف می‌کشاند. این است که بهره‌ای هم از تورات نمی‌برد. پس «ثم لم یحملوها» یعنی آن کسی که با پذیرش و با روح قبول، با تورات روبه‌رو نشده است تا آنچه را موسی روی دوش ذهن او و دل او قرار داده، جذب کند. مانند کبدی که مواد غذایی را جذب نکند» (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۹۷).

ایشان از همین جا به جنبه تطبیق آیه توجه دادند و کیفیت مواجهه برخی مسلمانان با قرآن را چنین ارزیابی کردند:

«کسانی هم که قرآن به آن‌ها داده شد، عیناً همین‌گونه هستند؛ اگر چنانکه ما قرآن را گرفتیم، اما عمل نکنیم، تدبیر ننمائیم، با چشم قبول و پذیرش به آن نگاه نکنیم، قرآن هدایتش را از ما دریغ خواهد کرد. ما قرآن را داریم اما از آن بهره‌ای نخواهیم برد» (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۹۷).

بنابراین، جامعه اسلامی باید به آموزه‌های قرآن پایبند باشد، عامل باشد تا حکمرانی قرآن بر همه ابعاد زندگی سایه اندازد و جامعه را در راه اهداف والایش جلو برد. از این جهت آیت‌الله خامنه‌ای در ادامه تفسیر سوره به مطلبی ذیل آیات شش و هفت سوره درباره یهود توجه می‌دهند که خود حکمی دیگر در رابطه میان مردم و خداست.

آنچه از قضیه پنجم تفسیر سوره برمی آید، شرط پیمودن مسیر اعتلا عامل بودن به دستورات قرآن، حرکت در مسیر صراط مستقیم. در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی عمل مطابق دستورات و احکام قرآن تا قرآن هدایتش را از جامعه نگیرد. از این‌رو در حکمرانی قرآنی باید نسبت به آموزه‌های قرآن اهتمام ورزید تا جامعه در مسیر اهداف والایش قرار گیرد.

بنابراین مستخرج از قضیه پنجم تفسیر سوره جمعه، تأکید بر عامل بودن به دستورات و احکام قرآنی که یکی دیگر از شاخصه‌های مهم در حکمرانی قرآن است.

قضیه ششم: غرور، مسیر انحطاط ملت‌های مومن

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۶) وَ لَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيهِمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (۷).^۵

مفسر ارجمند در این آیه کریمه، ملت یهود را ملتی دانست که ابتدا به آئین‌شان باورمند بودند؛ اما همین باور، برای‌شان چنین تلقی‌ای ایجاد کرد که آنان قوم برتر و برگزیده خدا بوده و همین مسأله موجب انحراف و کج‌روی آنان در دین شد. از این‌رو ایشان بر پایه تدبیر و تطبیقی که همیشه در کنار تفسیر آیات به آن التزام دارند، غرور ملت‌های مؤمن و اشخاص مؤمن را به پیشینه خود، با وجود تغییر رفتار و منش ایمانی مورد توجه قرار داده و با تمرکز بر امت اسلام چنین بیان کردند:

«این آیات اشاره بسیار رسایی دارد به درد بزرگ همه جوامعی که روزگاری در خدمت به خدا و خدمت به ایمان قرار داشتند ... گاه عده‌ای از مردم یک جامعه به‌گونه‌ای در خط ایمان به خدا قرار می‌گیرند و مؤمن می‌شوند. وقتی مؤمن و سعادتمند شدند، در عرف و فرهنگ ایشان این فکر به‌وجود می‌آید که این‌ها دوستان خدا هستند - حقیقتش هم همین است که دوستان خدا هستند - ولی به‌مرور زمان این قوم، این جمعیت مؤمن در معرض نفوذ گناه و فساد و تباهی قرار می‌گیرند و چون گناه و تباهی، مربوط به هوای نفس انسان‌ها است؛ و هوای نفس‌شان از بین رفتنی نیست. یک مجاهدت دائمی لازم است تا انسان بتواند از تأثیر هوای نفس بر خودش جلوگیری کند. اگر قومی خاطرشان جمع شد که دوست خدا هستند و فهمیدند که بالاخره بهشت مال‌شان است، این‌ها از آن مجاهدتی که لازم است در راه خدا داشته باشند، سستی خواهند کرد و این مجاهدت را انجام نخواهند داد ... البته این یک قانون کلی نیست؛ اما می‌توان گفت اغلب این‌گونه است ... و این یکی از دردها است» (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۱۰۳-۱۰۴).

«این بلای خطرناکی است که یک قومی ایمان به خدا بیاورند، تلاش و عبادت کنند، به‌خاطر بندگی و عبادت به‌خاطر نداشتن هوا، هوس و مجاهدت در راه خدا، یک فضیلتی پیدا کنند، بعد مجاهدت و عبادت را از دست بدهند، گناه در این‌ها نفوذ نماید، اخلاق بد در میان‌شان رایج شود، درعین حال خودشان را بهترین خلق خدا بدانند. این همان بلای بزرگ است ... مسلمانان نیز باید متوجه باشند که به بلیه یهود دچار نشوند» (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۱۰۸-۱۰۹).

با توجه به پیام آیات مذکور در حکمرانی قرآن ضروری می‌نماید که گروهی لازم است مراقب باشند که جامعه دچار چنین بلایی نشود (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۱۰۹).

مفسر ارجمند در این بخش از تدبراتی که در این دو آیه داشتند، این نکته مهم را تشریح کردند: «فضیلت یک عده از انسان‌ها به عبادت خداست. وقتی که خدا را عبادت کردند، خدای متعال

از آن‌ها سستی، حزن، عقب‌ماندگی، ذلت را برمی‌گیرد. اگر از عبودیت خدا برگردند، در دام گناه افتادند، اگر همان غلطی را که دیگران نمودند، این‌ها هم کردند، دیگر مورد لطف خدا قرار نخواهند گرفت. سستی، غم، ذلت و بدبختی به سراغشان خواهد آمد. نباید خیال کنند که ولو مجاهدت نکنند؛ ولو با نفس‌شان مبارزه نکنند و در خط اسلام و انقلاب نباشند، ولو ملت ما فداکاری را از دست بدهد، در عین حال همان بندگان خوب خدا خواهند بود و همان ملت برجسته‌ای که انقلاب آن برجستگی را به ایشان داد، خواهند بود. یک ملت ممکن است قرن‌ها مورد لطف پروردگار باقی بماند و ملت برگزیده و نمونه باشد؛ مشروط بر اینکه عبودیت خدا را برای خودش همواره نگه دارد. و الا اگر عبودیت خدا از دست رفت، دیگر هیچ‌یک از ارزش‌ها باقی نمی‌ماند (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۱۰۸-۱۰۹). اشتباه یهود این بود که این را نمی‌فهمیدند (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۱۰۸-۱۰۹).

در نهایت مفسر حکیم این تفسیر، بیان داشتند:

«برای نجات از انحطاط مسلمانان، باید در میدان جهاد و مجاهدت حضور داشت.»

ایشان ابراز داشتند:

«افتخار مال عمل است. افتخار مال نیت خوب است. افتخار مال فداکاری است. ما اگر این کارها را بکنیم، احساس سربلندی خواهیم کرد. این افتخار تا زمانی است که ما پای کار باشیم. تا آن وقتی است که بندگی خدا کنیم. ... راهش این است که پای رفتارمان هرگز لنگ نگردد (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۱۱۷). هرگز از مرگ نترسیم. کسی که از مرگ می‌ترسد، پای رفتارش سست می‌شود. دست اقدام و مجاهدش لرزان می‌شود؛ این خصوصیت ترسیدن از مرگ است ... یکی از ثمرات ایمان نترسیدن از مرگ است» (تفسیر سوره جمعه، ۱۲۱).

نکته: با دقت در فرمایشات معظم‌له، مشاهده شد که ایشان با تدبیر در این کریمه که به توبیخ یهودیان توسط خداوند پرداخته و تطبیق آن بر وضعیت فعلی جامعه اسلامی مان، ابتدا وضعیت یهودیان را به صورت مختصر شرح دادند که آنان قومی بودند که در اثر عبادت و با تحمل بار مسئولیت رسالت به قوم محبوب خداوند تبدیل شدند؛ اما اندک‌اندک غرور عبادت آنان را فریفت و شیطان ایشان را از مسیر عبادت و بندگی پروردگار منحرف ساخت. مفسر محترم در پایان این آیه، با استفاده از دستور قرآن کریم تصریح کردند که ملت‌های مومن در اثر غرور به انحطاط کشیده می‌شوند، وی راه جلوگیری از آن را، درخواست مرگ از خدا دانسته و با تدبیر در این مساله، نشانه اصلی ایمان به خدا و ثابت قدم ماندن در مسیر عبودیت را درخواست مرگ از خدا و عدم ترس از مرگ دانستند.

آیت‌الله مدرسی در توضیح مراد آیه از حمل تورات، منظور از آن را، نه حمل روی سر و کتف، بلکه التزام به آن در دوران زندگانی معرفی می‌کند. وی بر همین اساس عالمان یهود را به خاطر دنیاطلبی و هوای نفس مورد سرزنش قرآن دانسته است و با اینکه تمام انسان‌ها از کرامت ذاتی برخوردارند، کرامت آدمی را به عقل و تبعیت از رسالات الهی می‌داند و بر همین اساس خودبرتربینی یهودیان را مصداق همان حیوان مذکور در آیه دانسته است. او باز هم عالمان یهود را به دلیل دنیاطلبی از عنوان «عالمان ربانی» خارج دانسته و نظرات آنان را به دلیل نشأت گرفتن از وسوسه‌های شیطانی، حجت نمی‌داند (من هدی القرآن، ۱۵/۳۸۱-۳۸۷). از این رو ایشان معتقد است غرور پیش‌گفته در باب یهود، می‌تواند در مسلمانان نیز تکرار شود. از این رو آیت‌الله مکارم‌شیرازی در تفسیر آیه پنجم سوره از مورد منصوص آیه پا را فراتر نهاده و مسلمانانی که مشابه یهود، بار مسئولیت رسالت را حمل نمی‌کنند، مثال می‌زند و آنان را نسبت به ابتلا به سرنوشت یهود و تکرار فعل یهود نسبت به قرآن کریم هشدار داده است. و نیز آنان را از استفاده ابزاری از قرآن به عنوان تعویذ از خطرات یا برای سفر و یا ورود به خانه نو... برحذر داشته است (تفسیر نمونه، ۱۱۵/۲۴).

سید قطب نیز منطبق بر منطوق آیه یهودیان را به دلیل عدم حمل بار مسئولیت و عمل به تورات مورد توبیخ و سرزنش قرآن دانسته است. وی با تدبیری اندک و عبور از یهود همین مسأله را در حق مسلمانان جاری دانسته و در این خصوص مدعی است که مسلمانان نیز در این زمان تنها نام مسلمانانی را یدک کشیده و برخی صرفاً قرآن را می‌خوانند؛ اما از عمل به محتوای آن غافلند. وی در تبعیت از قرآن، همین افراد را همچون حیوانی دانسته که صرفاً بار می‌کشد. وی ملاک در حمل را فهم و عمل به معارف قرآن دانسته است (فی ضلال القرآن، ۳۵۶۷/۶).

مفاد قضیه ششم: نفی اقسام غرور و مغرور نشدن به خود، به ملیت و به آئین...؛ چراکه غرور مایه انحراف و کج‌روی و درنهایت سبب انحطاط می‌شود. معظم‌له در تفسیر این دو آیه با تمرکز بر امت اسلام بیان کردند که این آیات مربوط به قوم یهود است که روزگاری در خدمت به خدا و خدمت به ایمان قرار داشتند، ولی به تدریج این قوم به جهت غرور در معرض نفوذ گناه، فساد و تباهی قرار گرفتند. این بلای خطرناکی است که قومی به خاطر مجاهدت در راه خدا فضیلتی پیدا کنند، بعد مجاهدت را از دست بدهند. گناه در این‌ها نفوذ نماید، اخلاق بد در این‌ها رایج شود، درعین حال خودشان را بهترین خلق روی کره زمین بدانند. در واقع در این فراز از تفسیر توجه دادند به قاعده صیانت، توضیح اینکه در حکمرانی قرآنی گروهی از مردم مراقب باشند که جامعه گرفتار چنین بلایی نشود. معظم‌له برای نجات از انحطاط، حضور دائمی در میدان مجاهدت را لازم و ضروری دانستند. ایشان با تدبیر در آیه کریمه، توبیخ یهودیان توسط خداوند عالم را متذکر گردیدند و جهت تطبیق آن

بر وضعیت فعلی جامعه اسلامی قوم یهود را قومی دانستند که در اثر عبادت و تحمل بار مسئولیت رسالت قوم محبوب خداوند تبدیل شدند. اما به تدریج غرور عبادت آن‌ها را فریفت شیطان نیز آن‌ها را از مسیر عبادت و بندگی پروردگار عالم منحرف ساخت. حاصل مطلب یکی از موانع حضور دائمی در میدان مجاهدت مغرور شدن ملت‌های مؤمن است که در واقع اسباب انحطاطشان را فراهم می‌کند. پس یکی دیگر از شاخصه‌های حکمرانی قرآنی، حضور دائمی در میدان مجاهدت و نفی اقسام غرور است.

قضیه هفتم: عبادت راه جلوگیری از غرق شدن انسان در مادیات

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَ ذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۹) فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَ ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۱۰) وَ إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَ تَرَكُوا قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَ مِنَ التِّجَارَةِ وَ اللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۱۱).^۶

یکی از رفتارهایی که حکمرانی سوره جمعه ما را به آن دلالت می‌کند، کیفیت استفاده از تعطیلات در روز آدینه است. جامعه اسلامی، جامعه‌ای است که بخشی از فرصت تعطیلات را به منظور عبادت از جمله نماز روز جمعه اختصاص می‌دهد. یکی از چالش‌های امثال نماز عبادی سیاسی جمعه، امور لهوی و برنامه‌های خرید و فروش است.

اهل نماز جمعه و عبادت، به بهانه‌های اندک دست از نماز جمعه بر نمی‌دارند؛ زیرا همگان، جهت‌گیری‌های اصلی نظام اسلامی (و هم ترجیح خیر جمعی بر خیر فردی) را در این عبادت و از جمله نماز جمعه مشق می‌کنند. این قضیه رفتاری، ذیل آیات نهم تا یازدهم سوره جمعه بیان شده است. آیت‌الله خامنه‌ای به مناسبت تدبر و تطبیقاتی که به دنبال تفسیر این آیات داشته‌اند، مطالبی هماهنگ با حکمرانی سوره جمعه درباره نماز جمعه و وظائف مؤمنان گفته‌اند که در حکمرانی جامعه دینی کمال اهمیت را دارد. ایشان با الهام از آیات مذکور، قضیه‌ای از مجموعه قضایای حکمرانی قرآن را این چنین توضیح فرمودند:

«اگر چنانچه این ایستگاه‌ها (شتافتن به عبادت و تعطیلی کسب و کار) نباشد، این توقف‌گاه‌ها نباشد، بشر همچنان بسرعت در این تحرک مادی خودش حرکت کند، جایی نباشد که انسان یک قدری به خودش - خود یعنی این من معنوی او، شخصیت معنوی و روحانی او - بپردازد، به کلی انسان در مادیات غرق خواهد شد و این ایستگاه‌ها، در ایام، در وسط روز، اوقات نمازند» (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۱۳۲).

ایشان افزودند:

«کسانی که به مسائل شخصی که غیر از دادوستد و خرید و فروش و معامله‌گری و کارهای روزانه است، توجه ندارند، این‌ها به تدریج مسخ می‌شوند، عواطف در این‌ها می‌خشکد» (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۱۳۲).

به همین مناسبت ایشان روزهای تعطیل را مورد توجه قرار دادند و تفاوت محتوای روز تعطیل اسلام با غیر آن را توضیح می‌دهند:

«محتوای روز تعطیلی را اسلام، محتوای الهی و اسلامی قرار داد. از غروب پنجشنبه دعا داریم، ذکر داریم، نماز داریم ... یک چیزی باشد که به مثابه یک پمپاژ هفتگی که در طول هفته به شما روح بدهد، تذکر بدهد، توجه بدهد، روز جمعه این مایه را باید کسب کنیم. این مایه در دعاها، در نمازها و زیارت‌ها و مانند این‌هاست و مهم‌ترین آن‌ها نماز جمعه است» (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۱۳۳).
و در ادامه این‌گونه نتیجه گرفتند:

«جمعه روز تعطیل است. روز عید می‌باشد. منتها محتوای این روز تعطیل و محتوای این عید، باید با محتوای عیدی که مردم غافل دارند، فرق داشته باشد. این عید باید برای انسان ذخیره ذکر، تذکر و یاد خدا را تأمین کند که انسان در طول هفته به یاد خدا باشد» (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۱۳۵).
ایشان با استفاده از عبارت «فاسعوا الی ذکر الله» به مفهوم مخالف این دستور توجه کردند و بیان داشتند:

«همه کسانی که آدم‌ها را، انسان‌ها را، ملت‌ها را به سمت مسائل مادی بدوانند، خود دوانند (مردم) به سمت چیزهای مادی، خیانت است، چرا؟ چون انگیزه مادیات را در آن‌ها زیاد می‌کند. چنانکه گاهی در تبلیغات رادیو و تلویزیون از زبان این و آن، انگیزه‌های مادی را در ذهن مردم درست می‌کنند» (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۱۳۷). وقتی مردم به سمت مسائل مادی سوق داده شوند، علاقه و انگیزه عمیق پیدا می‌شود؛ آن وقت زیادی‌اش را می‌خواهند، غیر لازم‌ش را می‌خواهند. درحالی‌که ما مکلفیم که به قدر لازم‌ش را بخواهیم. اینجاست که قرآن و اسلام عکسش را می‌فرمایند، یعنی ما را به طرف معنویات سوق می‌دهند. «فاسعوا الی ذکر الله»؛ «حی علی الصلوة» بدوید، بشتابید به سمت نماز به ذکر خدا یعنی نماز جمعه» (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۱۳۸-۱۳۷).

ایشان ادامه دادند:

«وقتی در روز جمعه باید کار حلالی را رها کرد برای خاطر ذکر الله. کارهای غیرمباح، کارهای مکروه، کارهای حرام را به طریق اولی باید رها کرد» (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۱۳۸).

مفسر محترم مصادیقی چون گردش و سینما را اگر در عرض نماز جمعه قرار گیرند، از مصادیق این آموزه دانستند (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۱۳۸).
معظم‌له به منظور تبیین علت تأکید بر نماز جمعه به جای گردش و تفریح و تجارت اهمیت نماز جمعه را متذکر شدند:

«(نماز جمعه) بلندگوی انقلاب شده؛ یک مرکز گسترش و تعمیق یافتن انقلاب شده؛ آنجایی که حزب اللهی در آنجا درست می‌شود و حزب اللهی در آنجا روح و جان می‌یابد. و احساس می‌کند که دارند به خدا نزدیک می‌شوند. دشمن در نماز جمعه شکست می‌خورد. وقتی شما توانستید مفاهیم انقلابتان و روح انقلابتان را در نماز جمعه در محل اقامه نماز جمعه داشته باشید، آیا این بهتر از این نیست که حالا پنج ریال، یک تومان سود ببرید» (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۱۳۹-۱۴۰).
ایشان در ادامه، منطق قرآن را در باب نماز جمعه این‌گونه متذکر شدند:

«خیال نکنید که حالا نماز جمعه که رفتید و خرید و فروش نکردید، یک چیزی را از کیسه‌تان رفت. نه، چیزی از کیسه‌تان نرفت. اگر نماز جمعه نرفتید و مشغول خرید و فروش و کارهای دیگر شدید، چیزی از کیسه‌تان رفته. این منطق قرآن است» (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۱۵۳).
باز در اهمیت نماز جمعه فرمودند:

«در نماز جمعه، این جامعه، این انقلاب، این جمعیت جهت پیدا می‌کنند که با آن جهت، خیر دنیا و آخرت هر دو با هم تأمین می‌شود، خیر دسته جمعی آنجاست (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۱۶۵). راه روزی این نیست که انسان از خیر جامعه بگذرد برای خاطر خیر شخصی. این کسانی که خیر شخصی خودشان را در نظر دارند، این‌ها راه زندگی را نمی‌دانند. این کارها موجب می‌شود که جامعه به وضع سختی و به وضع بحرانی دچار شود که سختی آن به همه خواهد رسید، بر سر همه فرود خواهد آمد» (خامنه‌ای، تفسیر سوره جمعه، ۱۶۶).

مرحوم علامه طباطبایی در مورد آیه نهم، ابتدا به تبیین معنای فقرات آیه پرداخته و معتقد است خداوند در این آیه از هر کاری که افراد را از نماز جمعه منصرف و به خود مشغول کند نهی کرده و بیع از آنجا که بارزترین مصادیق اشتغالات دنیایی می‌باشد، در این کریمه مورد نهی قرار گرفته است (المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۷۳/۱۹-۲۷۷).

آیت الله مکارم شیرازی نیز در تفسیر آیه نهم، نماز جمعه را هدف اصلی نزول سوره و از مهم‌ترین وظائف اسلامی در تقویت پایه‌های ایمان دانسته‌اند. ایشان نیز مطابق منطوق این کریمه مردم را موظف می‌دانند به‌هنگام اذان نماز جمعه، کسب‌وکار را رها کرده و به نماز جمعه بشتابند. ایشان در تبیین اهمیت نماز جمعه نیز توضیحاتی مستند به روایات ارائه می‌کنند. ایشان براساس آیه دهم،

مسأله امر به طلب روزی در زمین بعد از حضر (نهی) از اشتغالات را مطرح کرده و قول به مطلوبیت طلب روزی بعد از نماز جمعه را به میان آورده است که البته در پایان مفهوم آیه را گسترده‌تر از مثال‌های مذکور در دیگر تفاسیر دانسته و توضیحی نیز در مورد ذکر ارائه کرده است. آن مفسر ارجمند نیز شأن نزول آخرین کریمه را پیش کشیده و مطابق با این رخداد، فقرات آیه را توضیح و تفسیر کردند. ایشان در پایان، به نکته‌های پنج‌گانه در مورد نماز جمعه (نخستین نماز جمعه در اسلام، اهمیت نماز جمعه، فلسفه نماز عبادی سیاسی جمعه، آداب نماز جمعه و محتوای خطبه‌ها و شرائط و وجوب نماز جمعه) اشاره نمودند (تفسیر قرآن، ۱۲۴/۲۴-۱۴۰). ایشان در این پنج نکته، مضامینی مشترک با برداشت فرمایشات آیت‌الله خامنه‌ای ندارند.

سید قطب سه آیه پایانی را واحدی مجزا دانسته و از ابتدای تفسیر این واحد به موضوع نماز جمعه پرداخته است. وی نماز جمعه را عبادتی جمعی و موجب نظم‌بخشی به امت اسلامی قلمداد کرده است (فی ضلال القرآن، ۳۵۶۹/۶-۳۵۷۰).

آیت‌الله مدرسی آیه هشتم را مقدمه‌ای برای سخن از نماز جمعه دانسته و به همین مناسبت به بحث از نماز وحدت‌آفرین جمعه پرداخته و این آیه را فراخوانی الهی برای نماز جمعه قلمداد کرد. وی پس از نقل برخی گزاره‌های تاریخی درباره شأن نزول آیه پایانی سوره جمعه به شرایط نماز جمعه اشاره کرده و اقامه نماز جمعه را به وجود حکومت اسلامی و امام عادل مشروط دانسته است (من هدی القرآن، ۳۸۹/۱۵).

همو در ادامه به سه حدیث در ارتباط با همین موضوع سپس به مسأله ولایت مطلقه فقیه اشاره کردند و با نقل اجماع بر شرطیت وجود امام عادل برای اقامه نماز جمعه، با قبول اطلاق در حدود ولایت و اختیارات ولی فقیه، اقامه این نماز، اجرای حدود و دفاع از حریم مسلمانان را از شئون او برشمردند. وی بحث فقهی مختصری را در ضمن این بحث مطرح نموده است. ایشان فریضه نماز جمعه را مقیاسی برای سنجش وحدت امت و میزان ایمان مسلمانان در خصوص این تکلیف حکیمانه و الهی برشمرده است. ایشان نیز به حکمی که در کلمات آیت‌الله خامنه‌ای استنباط می‌شد، توجه داده‌اند:

«ایشان منطبق بر آیه شریفه، از فلسفه آن سخن گفته و رها کردن نفس از قیودی که انسان را به زمین می‌چسباند را در زمره فلسفه این امر الهی دانسته و از این رو این آیه را بر این اساس، امر به ترک بیع که مظهر دنیاست دانستند. بنابراین بسیاری از فقیهان مسلمان به حرمت تکلیفی بیع (و برخی به بطلان آن) در حین برگزاری نماز جمعه فتوا داده‌اند. او این نماز را سراسر خیر دانسته و این فقره مبارکه

ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ) را بر همین زعم حمل کرده که وحدت جامعه اسلامی یکی از برکات این فریضه الهی است» (من هدی القرآن، ۱۵/۳۸۸-۳۹۸).

علامه فضل‌الله در «تفسیر من وحی القرآن» نماز جمعه را در راستای قضیه حکمرانی پیش گفته، موجب رشد و تعالی انسان دانسته است (من هدی القرآن، ۲۲/۲۱۵-۲۲۲).

شاخصه‌های مهم دیگری که قضیه هفتم حکمرانی سوره جمعه بر آن دلالت دارد، اولویت دادن به معنویات بر مادیات و امور دنیوی، عدم تعلق و دلبستگی به دنیا و با توجه به عبادات نباید جامعه اسلامی در حکمرانی قرآنی غرق در مادیات شود. ترغیب مردم به مادیات مذمت شده است، تا حدی که نوعی خیانت شمرده می‌شود. تبلیغ و ترغیب رسانه‌ای به این امر را کاری منفی دانسته‌اند. این‌گونه تبلیغات اسباب حرص مردم به دنیا را فراهم می‌کند و در نهایت منجر به اسراف می‌گردد. در واقع، برخلاف دستورات قرآن است و این هر دو: حرص به دنیا و در نهایت اسراف برخاسته از میل و هوای نفسانی می‌باشد و در حالی که قرآن ما را از اسراف نهی فرموده است (اسراء، ۲۶). از حرص به دنیا پرهیز داده است (بقره، ۹۶). در پایان، مفسر حکیم اهمیت نماز جمعه را متذکر شدند به این بیان که نماز جمعه تأمین‌کننده خیر دنیا و آخرت است. و همچنین در اهمیت این نماز توجه دادن به امر مهم دیگر در حکمرانی قرآنی که همان وحدت‌آفرین بودن نماز جمعه می‌باشد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق حاکی است که آیت‌الله خامنه‌ای در منهج تفسیری خود، بعد از توجه به مضمون سوره و گزارش مختصر مفاد سوره، به ترجمه و تفسیر آیات پرداخته و در این عرصه، تمرکز خاصی بر توضیح پیوندها و ارتباط میان آیات سوره، تحلیل‌های لغوی و تعمیق واژه‌شناسی، بررسی اسباب نزول و تحلیل شرائط محیطی فضای دعوت اسلامی دارند. علت توجه به این شرائط می‌تواند به جهت اهمیتی باشد که مفسر محترم به فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پیرامون نزول آیات می‌دهند. واکاوی عمیق در واژه‌ها نیز در این چارچوب قابل توضیح است.

اما همان‌گونه که مشاهده شد، ایشان بی‌تردید فهم تفسیر را امتداد داده و با تدبیر و عاقبت‌اندیشی در آیات، زمینه را برای فهم هرچه بهتر تطبیقات آیات بر شرائط ایران و جهان امروز فراهم می‌کنند. از این رو به منظور حل مسائل نظام اسلامی، مقدم و گاه همراه با تطبیق آیات، تدبیراتی در مراد آیات داشته‌اند. ایشان در واقع تدبیر در آیات را زمینه و مقدمه فهم تطبیقات آن‌ها و کشف راه‌حل مسائل نظام اسلامی قرار داده‌اند.

مطالعه در مبانی تفسیری معظم‌له نشان می‌دهد که نگاه اجتماعی و سیاسی ایشان در تفسیر آیات قرآن موج می‌زند.

در روش تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای، مواجهه با انواعی از قضایا و احکام اجتماعی و سیاسی قرآن هستیم که با ادبیات حکمرانی تطابق دارد. این احکام تا آنجا که از ظاهر آیات برداشت می‌شود، کمابیش مورد توافق مفسران معاصری نیز هست که با رویکرد سیاسی اجتماعی تفسیری از قرآن داشته‌اند؛ اما آنجا که ایشان به تدبیر در آیات ورود کرده و قضایا و احکامی را از راه تدبیر به دست آورده‌اند یا آنجا که تطبیق بر شرایط حال جوامع دینی و غیردینی داده و قضایای کلی را اصطیاد نموده‌اند، در استنباط این دسته از قضایا منحصر به فرد بوده‌اند.

به‌رحال به جهت سرشار بودن تفسیر ایشان از تدبیر و تطبیق و رویکردی که به مسائل سیاسی داشته‌اند، در جای‌جای تفسیر، احکام و قضایایی را بیان کردند که امکان استنباط قواعد حکمرانی از تفسیر ایشان را فراهم نموده است.

از جمله آن قضایا و احکام به‌طور کلی عبارتند از:

نخست: ظهور حاکمیت مطلق و فرمانروایی با شکوه الهی در قوانین الهی به‌وسیله مجریان وارسته اولین قضیه مهم در سوره جمعه به موضوع پادشاهی و حکومت مالکانه مربوط است. خدای سبحان با انحصار پادشاهی به خود در واقع راه را بر ادعای پادشاهی غیربسته است، تا حاکمان جامعه ادعای مالک‌الرقابی مردم را نداشته باشند.

دوم: استضعاف‌ستیزی جامعه اسلامی

سوق دادن مردم به‌سوی کمالات و تعلیم معارف رشددهنده (کتاب و حکمت) جهت رفع استضعاف از مردم، اصلی‌ترین وظیفه حاکم اسلامی در حکمرانی قرآن است.

سوم: شناخت بشر، شرط رشد دادن او

سومین قضیه مطرح در سوره جمعه، این است که دولت نبوی (ص) الگویی برای دولت اسلامی در حکمرانی قرآنی از جهت تربیت، رشد و تعالی‌دهی مردم و خروج مردم جامعه از ضلالت و گمراهی است.

چهارم: پرورش ظرفیت‌ها در حکمرانی قرآن

قضیه مهم در حکمرانی قرآن از تفسیر چهارمین آیه سوره جمعه رویش اسلامی که اراده الهی تعلق گرفته تا این رویش ادامه‌دار باشد. متوقف بر پرورش ظرفیت‌ها در حکمرانی قرآنی است.

پنجم: اهمیت عمل به قرآن در تمام عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی

مستخرج از قضیه پنجم تفسیر سوره جمعه، تأکید بر عامل بودن به دستورات و احکام قرآنی که

یکی دیگر از شاخصه‌های مهم در حکمرانی قرآن است.

ششم: غرور، مسیر انحطاط ملت‌های مومن

یکی دیگر از شاخصه‌های حکمرانی قرآنی، حضور دائمی مؤمنان در میدان مجاهدت و نفی اقسام غرور است.

هفتم: عبادت راه جلوگیری از غرق شدن انسان در مادیات و ترجیح خیر جمعی بر خیر فردی، قضیه هفتم حکمرانی سوره جمعه دلالت دارد بر اولویت دادن معنویات بر مادیات و امور دنیوی و در نهایت اهمیت نماز جمعه و بیان امر مهم دیگر در حکمرانی قرآنی که همان وحدت‌آفرین بودن نماز جمعه است.

پی‌نوشت‌ها

۱. خدا را تسبیح می‌گویند هرچه در آسمان‌ها و هرچه در زمین است، آن فرمانروای پاک از عیب‌ها، آن پیروزمند حکیم را.
۲. اوست خدایی که به میان مردمی بی‌کتاب پیامبری از خودشان مبعوث داشت تا آیاتش را بر آن‌ها بخواند و آن‌ها را پاکیزه سازد و کتاب و حکمت‌شان بیاموزد. اگرچه پیش از آن در گمراهی آشکار بودند.
۳. و بر گروهی دیگر از ایشان که هنوز به آن‌ها نپیوسته‌اند و اوست پیروزمند و حکیم. این بخشایش خداست که به هر که خواهد ارزانی‌اش دارد و خدا را بخشایشی بزرگ است.
۴. مثل کسانی که تورات به آن‌ها داده شده و بدان عمل نمی‌کنند، مثل آن‌هاست که کتاب‌هایی را حمل می‌نمایند. بد مثلی است، مثل مردمی که آیات خدا را دروغ می‌شمرده‌اند و خدا ستمکاران را هدایت نمی‌کند.
۵. بگو: ای قوم یهود، هرگاه می‌پندارید که شما دوستان خدا هستید، نه مردم دیگر، پس تمنای مرگ کنید اگر راست می‌گویند و آنان به سبب اعمالی که پیش از این مرتکب شده‌اند، هرگز تمنای مرگ نخواهند کرد و خدا به ستمکاران داناست.
۶. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون ندای نماز روز جمعه دردهند، به نماز بشتابید و دادوستد را رها کنید. اگر دانا باشید، این کار برایتان بهتر است. و چون نماز پایان یافت، در زمین پراکنده شوید و رزق خدا را طلب کنید و فراوانش یاد کنید. باشد که رستگار شوید. و چون تجارتی یا بازیچه‌ای ببیند پراکنده می‌شوند و به جانب آن می‌روند و تو را همچنان ایستاده رها می‌کنند. بگو: آنچه در نزد خداست از بازیچه و تجارت بهتر است و خدا بهترین روزی‌دهندگان می‌باشد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. شریف رضی، سید محمد بن حسین (۱۴۰۷ق). دارالهجره.
۴. ابن‌عاشور، محمد بن طاهر (بی‌تا). التحرير والتنوير. بی‌جا. بی‌نا.
۵. بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۹۴). همگام با وحی. جلد چهارم. ص ۳۷۶.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی (بی‌تا). بیانات نرم افزار حدیث ولایت. قم: مرکز علوم انسانی نور
۷. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۱). تفسیر سوره جمعه. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۹. فضل‌الله، سیدمحمدحسین (۱۴۱۹ق). من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک. چاپ اول.
۱۰. قطب، سید (۱۴۲۵ق). فی ظلال القرآن. بیروت: دارالشروق، چاپ سی‌وپنجم.
۱۱. مدرس‌سی، سیدمحمدتقی (۱۴۱۹ق). من هدی القرآن، تهران: دار محبی‌الحسین. چاپ اول.
۱۲. مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیرنمونه. تهران: دارالکتب‌الاسلامیه. چاپ اول.
۱۳. امام خمینی. رساله اجتهاد تقلید. جلد دوم. ص ۳.
۱۴. کاشف‌الغطا، شیخ جعفر. کشف‌الغطاء. ص ۳۷.

منابع اینترنتی

۱۵. خسروپناه دزفولی، عبدالحسین (۱۴۰۰). برای استقرار «دولت اسلامی» باید حکمرانی اسلامی محقق شود، بازیابی شده از: شورای عالی حوزه علمیه خراسان <http://www.shorakh.com>
۱۶. بی‌نام (بی‌تا). تعاریف و مفاهیم حکمرانی، بازیابی شده از: مدرسه حکمرانی شهید بهشتی <https://governanceschool.ir>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی